

## طبقه متوسط جدید و فرهنگ مردم‌سالاری در ایران بررسی موردی شهر همدان

غدیر بهمنی طراز\* - ابوالفضل دلاوری\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۶)

### چکیده

مفهوم مردم‌سالاری گرچه بیشتر برنوعی نظام سیاسی دلالت دارد که در آن مناصب و تصمیمات سیاسی به رأی و نظر عامه مردم متکی است، اما بیانگر نوعی از فرهنگ هم هست. از این نقطه نظر، نظام سیاسی مردم‌سالار با گونه‌های خاصی از ارزش‌ها و گرایش‌های سیاسی و اجتماعی تناظر و هم‌نشینی دارد. بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران، به ویژه در چند دهه اخیر بر ارتباط مردم‌سالاری سیاسی با اندازه طبقه متوسط جدید شهری از یک سو و میزان ارزش‌ها و گرایش‌های مردم‌سالارانه در میان اعضای این طبقه تأکید کرده‌اند. اصولاً این انگاره رواج دارد که گرایش به فرهنگ مردم‌سالارانه در میان طبقه متوسط جدید شهری در سطح بالایی قرار دارد. سوال این است که آیا چنین وضعیتی در جامعه امروز ایران نیز قابل مشاهده است؟ در این مقاله میزان گرایش به فرهنگ مردم‌سالارانه در میان استادان دانشگاه و معلمان دوره متوسطه شهر همدان مورد پیمایش قرار گرفته است. دلایل انتخاب این جمعیت آماری این است که اولاً بنا بر مباحث و نظریه‌های مردم‌سالاری، این دو قشر، معرف بیشینه (ماکزیم) گرایش به فرهنگ مردم‌سالارانه هستند؛ ثانیاً شهر همدان به عنوان یکی از شهرهای نسبتاً پر جمعیت و چند فرهنگی کشور، تا حدودی معرف میانگین وزن طبقه متوسط جدید شهری و گرایش‌های آن در ایران امروز است. به این ترتیب، این پیمایش می‌تواند بیشینه گرایش به فرهنگ مردم‌سالارانه را در میان طبقه متوسط جدید شهری ایران امروز نشان دهد. در این پیمایش، با انتخاب نمونه‌ای معرف و با استفاده از شاخص‌های سنجش گر و پرسشنامه استاندارد و بومی شده، میزان گرایش این دو گروه به ارزش‌های مردم‌سالارانه سنجیده شده است. نتایج پیمایش نشان می‌دهد گرایش به ابعاد هنجاری مردم‌سالاری در میان این دو قشر در مجموع کمی بیش از حد متوسط (حدود ۶۰ درصد) و گرایش به ابعاد رفتاری مردم‌سالاری بسیار کمتر از حد متوسط (حدود ۲۲ درصد) است. به این ترتیب فقط حدود ۳۹ درصد از این دو گروه به مجموع ارزش‌های مردم‌سالارانه (اعم از هنجاری و رفتاری) گرایش دارند. بنابراین، مقاله به این نتیجه رسیده که با توجه به موقعیت و جایگاه اجتماعی و سیاسی این دو قشر، گرایش به فرهنگ مردم‌سالارانه در میان طبقه متوسط جدید شهری ایران، به احتمال زیاد، کمتر از حد انتظار است.

واژه‌های کلیدی: طبقه متوسط جدید شهری، استادان دانشگاه، معلمان دوره متوسطه، فرهنگ مردم‌سالاری، ارزش‌های هنجاری، ارزش‌های رفتاری.

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

\*\* استادیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

## مقدمه

رابطه مردم‌سالاری و فرهنگ در چند دهه اخیر به یکی از موضوعات محوری در مطالعات سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است. پیدایش و رواج رهیافت «فرهنگ سیاسی» در نخستین دهه‌های پس از جنگ دوم نتیجه این وضعیت بود. این موضوع به ویژه متأثر از تجربه جامعه آلمان در فاصله میان دو جنگ بود. ناکامی جمهوری وایمار در تحکیم مردم‌سالاری سیاسی و برآمدن فاشیسم با پیامدهای فاجعه‌بارش، این باور را تقویت کرد که نظام سیاسی مردم‌سالار بدون رواج و پذیرش ارزش‌ها و نگرش‌های مردم‌سالارانه از سوی خیل عظیمی از مردم شکننده و بی‌ثبات خواهد بود (Vanhanen, 2003:15 ; Inglehart & Welzel 2009: 6 ; اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۴).

از سوی دیگر، بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه مردم‌سالاری، طبقه متوسط شهری، به ویژه لایه‌های جدید آن را به عنوان مهمترین حامی و پایگاه اجتماعی مردم‌سالاری قلمداد کرده‌اند (Lipset, 1956: 46؛ هاتینگتون، ۱۳۷۳: ۴۰-۵۳۳ و لیپست، ۱۳۸۳: ج.۳. ۷۱-۱۱۶۹). بنابراین، مفروضه آشکار یا پنهان بسیاری از نظریه‌های مردم‌سالاری این است که ارزش‌ها و گرایش‌های مردم‌سالارانه در میان طبقه متوسط جدید شهری به نسبت دیگر اقشار و طبقات اجتماعی در سطح بالاتری قرار دارد. این مفروضه در مباحث عمومی و مطالعات دانشگاهی ایران نیز تا حدود زیادی پذیرفته شده است. البته این داعیه غالباً متکی به برداشت‌ها و شواهد شخصی است و کمتر از طریق مطالعات علمی و روش‌مند مورد آزمون قرار گرفته است. در این مقاله کوشش خواهد شد این داعیه در مورد بخشی از این طبقه به محک آزمون گذاشته شود. در این مقاله، ارزش‌های فرهنگی و گرایش‌های سیاسی اساتید دانشگاه‌ها و دبیران دبیرستان‌های شهر همدان پیمایش خواهد شد تا به این سوال پاسخ داده شود که این گروه‌ها تا چه اندازه به ارزش‌ها و رفتارهای مردم‌سالارانه گرایش دارند؟ پرسش فرعی مقاله به تفاوت‌های موجود در میان خود این دو گروه مربوط است. به منظور پاسخ به دو سوال بالا، نخست مروری بر پیشینه‌های تحقیق خواهیم داشت تا ضرورت و نقاط تمرکز پژوهش خود را روشن سازیم. پس از آن، می‌کوشیم مبانی مفهومی و نظری پژوهش را بیان کنیم. پس از آن، روش‌شناسی پژوهش مطرح خواهد شد. در گام بعدی، داده‌های گردآوری شده را طبقه‌بندی و تحلیل خواهیم کرد و سرانجام یافته‌ها و نتایج این پژوهش را ارائه خواهیم داد.

## پیشینه‌های پژوهش

فرهنگ سیاسی مردم ایران و رابطه آن با سیاست از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. سریع‌القلم بر مبانی عشیرتی فرهنگ سیاسی مسلط در ایران امروز

تأکید کرده و ریشه‌های این موضوع را به تسلط زندگی عشیره‌ای بر این کشور طی قرون متمادی و تا سده قبل نسبت داده‌است. به نوشته او در اثر تسلط چنین فرهنگی بر عرصه‌های عمومی و سیاسی، دایره اعتماد میان افراد، نهادها و سازمان‌ها بسیار اندک و محدود است. یکی از آثار این کم‌اعتمادی، واگذاری نقش‌های اجتماعی و سیاسی بر مبنای تعلقات خویشاوندی و قومی است. ایشان مشکلات و ناکامی‌های مردم‌سالاری در این کشور را در این ویژگی‌ها جستجو می‌کند (سریع‌القلم، ۱۳۷۷: ۱۱-۴)، البته پیش از این نیز چنین خصیصه‌هایی از سوی صاحب‌نظران و پژوهشگران داخلی و خارجی به فرهنگ سیاسی ایران نسبت داده شده بود (برای مثال بنگرید به: Mc Leland, 1963; Zonis, 1971: 238-271؛ جمالزاده، ۱۳۴۵). داریوش شایگان فرهنگ سیاسی ایران را به سه بخش «سنتی»، «اقتدارگرا» و «شیزوفرنیک» طبقه‌بندی کرده (شایگان، ۱۳۷۴: ۲۴۰-۲۲۳) و حسین بشیریه از تسلط فرهنگ سیاسی «آمریت - پاتریمونیال» بر ایران معاصر سخن به میان آورده است (بشیریه: ۱۳۷۵: ۸۵-۷۴). بیشتر آثار مورد اشاره، از نوع نظرورزی‌های شخصی و مبتنی بر اطلاعات و شواهد کلی هستند و اگرچه نکات قابل تأملی را در مورد فرهنگ ایران مطرح می‌کنند اما چندان بر پژوهش‌های روشمند و داده‌های کافی و متقن استوار نیستند. معدود پژوهش‌های روشمند مربوط به این موضوع نیز به ادوار گذشته تعلق دارند و تحولات متأخر در جامعه و فرهنگ سیاسی ایران را نشان نمی‌دهند.

در سال‌های اخیر برخی مطالعات روشمند در مورد فرهنگ سیاسی عمومی یا ارزش‌ها و گرایش‌های برخی گروه‌ها و اقشار خاص صورت گرفته است. صرف‌نظر از پیمایش ملی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» که در دو موج و طی سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳ در سطح مراکز استان‌ها صورت گرفته و شامل سنجش برخی ارزش‌ها و گرایش‌های سیاسی مردم ایران است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳)، پیمایشی از سوی جهاد دانشگاهی با عنوان «فرهنگ سیاسی مردم ایران» در مقیاس ملی صورت گرفته که بسیاری از ارزش‌ها و گرایش‌های سیاسی مردم را در مراکز استان‌های کشور مورد سنجش قرار داده است (ایسپا، ۱۳۸۴). همچنین در پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران» با مطالعه برخی متغیرهای کلیدی به گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی در جامعه دانشجویان ایران پرداخته‌اند. آن‌ها بر چهار مولفه فرهنگ سیاسی، یعنی ارزش‌های سیاسی، باورهای سیاسی، احساسات نسبت به نظام سیاسی و دانش سیاسی توجه کرده‌اند و سه گونه فرهنگ سیاسی را تحت عناوین فرهنگ مشارکت پیش‌رونده، فرهنگ مشارکت پس‌رونده و فرهنگ میانه‌رو در میان دانشجویان ایران شناسایی کرده‌اند (کتابی و همکاران، ۱۳۸۰).

احمدی و آزادنمکی در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و گونه‌های دمکراتیک فرهنگ سیاسی» به تحلیل ثانویه داده‌های حاصل از پیمایش ارزش‌های جهانی برای استان‌های ایران پرداخته‌اند. در این تحقیق با استفاده از مدل «ارزش‌های ابراز وجود» رونالد اینگلهارت و ولزل، تأثیر شاخص‌های سرمایه اجتماعی (شامل اعتماد و مشارکت، اطمینان به نهادها و سازمان‌های دولتی و مدنی و درستکاری مدنی) در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی دمکراتیک بررسی شده است. پژوهشگران چهار شاخص «فرامادی‌گرایی»، «استقلال‌گرایی»، «برابری جنسیتی» و «ارزش‌های مردم‌سالارانه» را مورد سنجش قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که در ایران بعضی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی مانند اعتماد و مشارکت از تأثیری مثبت بر فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه برخوردار بوده ولی شاخص اطمینان به نهادها دارای تأثیر منفی بوده و شاخص درستکاری مدنی نیز از تأثیر معناداری برخوردار نبوده است (احمدی و آزادنمکی، ۱۳۹۱).

در سال‌های اخیر در پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی نیز توجه فراوانی به فرهنگ سیاسی دیده می‌شود. البته اینگونه مطالعات غالباً در حد جمع‌آوری مطالب از دیگر کتاب‌هاست و محدود آثار پژوهشی، که عمدتاً از نوع پیمایشی است، از بررسی گروه‌های کوچک نظیر دانشجویان این یا آن دانشگاه فراتر نرفته است (برای نمونه بنگرید به: گلچین، ۱۳۸۷؛ بیات تیریزی، ۱۳۷۹؛ بوستانی، ۱۳۷۹).

## مبانی مفهومی و نظری

### ۱- چیستی فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی را می‌توان مقوله‌ای اخص از فرهنگ در معنای کلی آن دانست. از فرهنگ تعاریف بی‌شماری ارائه شده اما شاید سودمندترین تعریف همان باشد که مردم‌شناس معروف، ادوارد تیلور ارائه کرده است. تیلور فرهنگ را کلیت درهم تنیده و پیچیده‌ای از آگاهی‌ها، باورها، هنرها، اخلاقیات، قانون و تمامی قابلیت‌ها و عاداتی می‌داند که انسان‌ها به عنوان عضوی از جامعه خود کسب می‌کنند (تایلور، نقل از آشوری، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۱۲). بر همین سیاق، از میان تعاریف متعدد فرهنگ سیاسی، به نظر می‌رسد مفیدترین تعریف رالوسین پای ارائه کرده باشد. پای، فرهنگ سیاسی را مجموعه نگرش‌ها، باورها و احساساتی می‌داند که به فرایند سیاسی نظم و معنا می‌دهند و انگاره‌ها و قواعد بنیادینی را که بر رفتار در نظام سیاسی ناظر است پدید می‌آورند (Pye, 1963:27). گابریل آلموند و سیدنی وربا در گونه‌شناسی خود سه نوع فرهنگ سیاسی مشارکتی، تبعی و محدود را از

یکدیگر تفکیک کرده‌اند. منظور آن‌ها از فرهنگ مشارکتی همان فرهنگ مردم‌سالارانه است که آن‌را فرهنگ مدنی هم قلمداد می‌کنند. در این فرهنگ، افراد از نظام سیاسی متبوع خود درک روشنی دارند، از جریان رویدادها و امور سیاسی آگاهند و تمایل دارند تا نقش فعالی در امور سیاسی ایفا کنند (Almond & verba, 1965: 15; 514).

استیون ای. فینکل فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه را شامل مولفه‌هایی چون احساس کارآمدی سیاسی، مدارای سیاسی، اعتماد سیاسی، دانش سیاسی بالا و گرایش به مشارکت سیاسی می‌داند (finkel, 2003: 2). آلکس وان سایکل نیز این‌گونه از فرهنگ سیاسی را شامل ارزش‌ها و هنجارهایی مانند اعتماد میان فردی، مدارا، بحث سیاسی و حمایت از نهادهای مردم‌سالار دانسته است (Sickle, 2003). ویچلان پیلای، فرهنگ سیاسی مردم‌سالار را شامل چهار مولفه «قوانین مردم‌سالارانه»، «گرایش به آزادی اندیشه»، «گرایش به آزادی بیان» و «گرایش به آزادی مذهبی» می‌داند (Pilai, 2011).

رونالد اینگلهارت و کریستین ولزل در پژوهش‌های جامع خود در مورد تحولات فرهنگی در مناطق مختلف جهان، چهار مولفه زیر را برای فرهنگ مردم‌سالارانه ذکر کرده‌اند: ۱- استقلال فردی، ۲- ارزش‌های فرامادی گرایانه، ۳- برابری جنسیتی و ۴- نگرش مثبت نسبت به دموکراسی. به نوشته آنان، ارزش‌های فرامادی گرایانه که مبین تأکید بر آزادی، رضایت ذهنی، تساهل برون‌گروهي و اعتماد بین فردی است، در برابر ارزش‌های مادی گرایانه قرار می‌گیرد که شامل تأکید بر حفظ نظم و ثبات، مبارزه با جرایم، امنیت فیزیکی و شغلی است (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۹۱ و 6 Inglehart & Welzel, 2009).

### ۳-۱- ابعاد فرهنگ سیاسی

مارک تسلر دو جنبه شناختی و رفتاری را در فرهنگ‌های سیاسی تفکیک می‌کند. به نوشته او جنبه شناختی فرهنگ سیاسی، شامل دو متغیر «اعتقاد به برابری جنسیتی» و «مدارای سیاسی» است. جنبه رفتاری فرهنگ سیاسی شامل چهار متغیر «اعتماد سیاسی»، «مشارکت مدنی»، «علاقه سیاسی» و «دانش سیاسی» است. او متغیرهای شناختی را با عنوان «تکثرگرایی سیاسی» و متغیرهای رفتاری آن را با عنوان «درگیری عملی در سیاست» مقوله‌بندی می‌کند و بر اساس این دو مقوله چهار نوع اصلی فرهنگ سیاسی را از یکدیگر متمایز می‌سازد: فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه که نتیجه تکثرگرایی شدید به همراه درگیری عملی شدید در سیاست است.

فرهنگ سیاسی بی تفاوت که برآیند تکثرگرایی شدید و درگیری عملی ضعیف است. فرهنگ سیاسی عملگرا که محصول تکثرگرایی ضعیف و درگیری عملی شدید است. فرهنگ سیاسی محدودنگر (کوته‌فکرانه) که نتیجه تکثرگرایی ضعیف و درگیری عملی ضعیف است (Tessler, 2011: 270).

### ۳-۳- به سوی یک مدل برای سنجش فرهنگ سیاسی

یافته‌های اینگلهارت و تسلر اشتراکات زیادی دارند و بر مفروضات مشترکی استوارند. با وجود این، هر یک از این دو بر وجوه خاصی از فرهنگ سیاسی تأکید دارند. در حالی که اینگلهارت بر مولفه‌های عام فرهنگ سیاسی تمرکز دارد، تسلر بر تفاوت‌ها و سنخ‌شناسی این فرهنگ‌ها تأکید می‌کند. در این پژوهش سعی می‌شود هر دو جنبه از فرهنگ سیاسی مورد توجه قرار گیرد. از نقطه نظر این مقاله، فرهنگ مردم‌سالارانه به فرهنگی اطلاق می‌شود که در آن مولفه‌های مربوط به هر دو بعد «هنجاری-شناختی» و «رفتاری-عملی» در سطح بالایی باشد. به عبارت دیگر افراد و گروه‌هایی که: ۱- اهل مدارای سیاسی باشند، ۲- با تبعیض جنسیتی مخالف باشند، ۳- از آزادی‌ها دفاع کنند، ۴- نهادها و سازوکارهای مردم‌سالارانه را ترجیح دهند، ۵- به مشارکت در امور مدنی و سیاسی تمایل داشته باشند، ۶- به موضوعات و مسائل سیاسی علاقمند باشند و ۷- از دانش سیاسی برخوردار باشند، دارای فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه هستند. بر این اساس، مدل تحلیلی این مقاله یک ماتریس دوسویه‌است که یک سویه آن بیانگر وضعیت مولفه‌های شناختی-هنجاری و سویه دیگر آن متضمن وضعیت مولفه‌های عملی-رفتاری است.

جدول ۱ - مقیاس‌ها و مولفه‌های اندازه‌گیری فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه

سویه شناختی-هنجاری: میزان تکثرگرایی سیاسی (مدارای سیاسی، حمایت از برابری جنسیتی، حمایت از آزادی، مظلومیت نظام مردم‌سالارانه)			*****
ضعیف	قوی	*****	سویه عملی-رفتاری: میزان درگیر شدن در امور سیاسی (علاقه به امور سیاسی، دانش سیاسی، مشارکت سیاسی)
فرهنگ سیاسی عملگرا	فرهنگ سیاسی دموکراتیک	قوی	
فرهنگ سیاسی محدودنگر	فرهنگ سیاسی بی تفاوت	ضعیف	

#### ۴-روش پژوهش

این پژوهش اصولاً بر پیمایش استوار است و ارزش‌ها و گرایش‌های گروه‌های هدف را مورد سنجش و تحلیل آماری قرار خواهد داد. با وجود این، در مواردی از روش مقایسه‌ای نیز استفاده خواهد شد.

#### ۴-۱- جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل اساتید دانشگاه و دبیران دبیرستان‌های شهر همدان است. انتخاب این جامعه آماری دو دلیل اصلی داشته است: نخست این که این دو قشر، کانون اصلی طبقه متوسط جدید محسوب می‌شوند و به دلیل میزان نفوذ فرهنگی و مرجعیت فکری، به ویژه در میان جوانان و نوجوانان، می‌توان آن‌ها را به عنوان یکی از بازیگران اصلی ونیروهای استراتژیک در عرصه سیاست ایران امروز قلمداد کرد. بنابراین، تعیین میزان گرایش این دو قشر به ارزش‌های دمکراتیک می‌تواند تصویری نسبتاً روشن از جایگاه دمکراسی در ایران امروز به دست دهد. دست کم این که، میزان گرایش این دو قشر به ارزش‌های مردم‌سالارانه می‌تواند ما را از حد بیشینه (ماکزیمم) این ارزش‌ها و گرایش‌ها در میان طبقه متوسط شهری ایران آگاه سازد. دوم این که، شهر همدان یکی از شهرهای نسبتاً بزرگ و پر جمعیت کشور با ترکیب متنوع اجتماعی و فرهنگی است. وجود مراکز دولتی و دانشگاه‌های متعدد در این شهر به همراه برخورداری از موقعیت توریستی، آن را به نمونه‌ای نسبتاً معروف از شهرهای بزرگ (اگر نه کلان) امروز ایران تبدیل کرده است. نتایج پیمایش‌های ملی مربوطه که پیش از این به آن‌ها اشاره شد، نشان می‌دهد که شاخص‌های ارزش‌ها و گرایش‌های مربوط به فرهنگ عمومی و فرهنگ سیاسی در این شهر با متوسط این شاخص‌ها در کل کشور نزدیک است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱: ۶۳-۷۵).

#### ۴-۲- نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش شامل اساتید پنج دانشگاه شهر همدان (بوعلی سینا، علوم پزشکی، آزاد، پیام نور و فرهنگیان) و دبیران مقطع متوسطه این شهر است. تعداد کل جامعه آماری در زمان انجام پژوهش (سال ۱۳۹۲) بالغ بر ۲۵۱۳ نفر (۱۰۱۳ عضو هیئت علمی دانشگاه و ۱۵۰۰ دبیر) بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقاتی، حجم نمونه با خطای ۵٪ و با فرض

وجود یا عدم وجود صفت ۵۰ به ۵۰ بر اساس فرمول کوکران ۳۳۳ نفر برآورد شد که با اضافه کردن ۲۰ درصد احتمال بی پاسخی این رقم به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. جدول زیر نمونه‌های اختصاص یافته به هر یک از طبقات جامعه آماری را نشان می‌دهد.

جدول ۲- تعداد جامعه آماری و حجم نمونه

حجم نمونه	تعداد کل جامعه آماری (N)	
۱۶۱	۱۰۱۳	اعضای هیئت علمی
۲۳۹	۱۵۰۰	دبیران دوره متوسطه
۴۰۰	۲۵۱۳	جمع

سهم هر یک از دانشگاه‌ها و نواحی آموزش و پرورش از حجم نمونه نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انجام شد که نتیجه آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳- جامعه آماری به تفکیک طبقات تشکیل‌دهنده و سهم از حجم نمونه

سهم طبقات از حجم نمونه (nh)	تعداد کل هریک از طبقات (Nh)		
۵۶	۳۵۱	دانشگاه بوعلی	هیئت علمی
۴۷	۲۹۶	دانشگاه علوم پزشکی	
۴۰	۲۴۷	دانشگاه آزاد	
۱۸	۱۲۰	دانشگاه‌های فرهنگیان و پیام نور	دبیران
۱۲۳	۷۷۳	ناحیه (۱)	
۱۱۶	۷۲۸	ناحیه (۲)	
۴۰۰	۲۵۱۳		جمع

#### ۳-۴- ابزار پژوهش

همانطور که اشاره شد مدل این پژوهش برای اندازه‌گیری و شاخص‌یابی فرهنگ سیاسی مردم سالارانه ترکیبی از مدل تسلر و اینگلهارت است و شامل مولفه‌های شش‌گانه «مدارای سیاسی»، «حمایت از برابری جنسیتی در عرصه سیاست»، «حمایت از آزادی‌های سیاسی»،

«ترجیح نظام سیاسی دمکراتیک»، «مشارکت سیاسی»، «علاقه سیاسی» و «دانش سیاسی» است. تعریف هر یک از این مولفه‌ها به شرح زیر است:

۴-۳-۱- مدارای سیاسی به معنای میزان بردباری افراد در برابر عقاید و رفتارهایی است که خود با آن مخالفند و از عدم واکنش تا واکنش‌های خشونت‌آمیز را شامل می‌شود (فینکل، ۲۰۰۳: ۲).

۴-۳-۲- مشارکت سیاسی به معنای میزان تمایل افراد به حضور و درگیر شدن علنی در سطوح مختلف فعالیت‌های سیاسی است، که از عدم دخالت در فعالیت‌های سیاسی تا تلاش برای کسب مناصب سیاسی را دربر می‌گیرد.

۴-۳-۳- آزادی سیاسی به معنای میزان اعتقاد افراد به عدم دخالت دولت در امور اشخاص یا تشکل‌های سیاسی به منظور کنترل رفتار آنهاست، که آزادی بیان، قلم، مطبوعات، عقیده، تجمع و تشکیل سازمان (صنفی، مدنی و سیاسی) را شامل می‌شود.

۴-۳-۴- حمایت از برابری جنسیتی به معنای میزان باور افراد به این موضوع است که جنسیت تأثیری در میزان برخورداری از حقوق و امتیازات سیاسی ندارد (Tessler, 2011:198).  
۴-۳-۵- علاقه سیاسی به معنای میزان گرایش مثبت عاطفی و روانی افراد نسبت به امور عمومی و موضوعات سیاسی است و شامل پیگیری اخبار و رویدادهای سیاسی، مشارکت در بحث‌های سیاسی است.

۴-۳-۶- دانش سیاسی به معنای میزان برخورداری افراد از اطلاعات قابل ملاحظه در مورد نظام سیاسی، شخصیت‌های سیاسی، فرایندها و سیاست‌های جاری کشور متبوع خود است.

۴-۳-۷- ترجیح مردم‌سالاری به معنای میزان حمایت افراد از روش‌ها و سازوکارهای مردم‌سالارانه به عنوان شکل مطلوب حکومت در مقایسه با سایر نظام‌های سیاسی است.  
هر یک ابعاد و مولفه‌های فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه را می‌توان از طریق گویه‌ها و معرف‌هایی که در جدول زیر ارائه شده عملیاتی کرد.

جدول ۴- تعریف عملیاتی ابعاد و شاخص‌های فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه

متغیر	مولفه‌ها	معرف‌ها
فرهنگ سیاسی دمکراتیک	مدارای سیاسی	موافقت با این که شهروندان متعلق به اقلیت‌های مذهبی از حق اکتساب مناصب سیاسی برخوردار باشند. موافقت با برگزاری میتینگ‌های سیاسی از سوی احزاب سیاسی مخالف مخالفت با تعطیلی روزنامه‌های مخالف با عقاید سیاسی فرد موافقت با فعالیت سیاسی حزبی که نظرات متضادی با نظر فرد پاسخگو دارند.
	حمایت از آزادی	اعتقاد به تضمین آزادی عقیده افراد با گرایش‌های فکری گوناگون آزادی رسانه‌ها برای بیان گرایش‌های سیاسی گوناگون آزادی ایجاد سازمان و تشکیلات علنی برای گروه‌های سیاسی مختلف مخالفت با سانسور و ممیزی مطبوعات آزادی تجمعات سیاسی از سوی گروه‌های مختلف
	مشارکت مدنی - سیاسی	عضویت در احزاب و انجمن‌های سیاسی عضویت در سازمان‌ها و تشکل‌های مدنی داوطلب شدن برای نقش‌های سیاسی یا میزان تمایل به آن مشارکت در جلسات پرسش و پاسخ نامزدهای انتخابات فعالیت در روزنامه‌ها و مطبوعات سیاسی
	دانش سیاسی	اطلاع از نام سخنگوی هیئت دولت فعلی اطلاع از یکی از مناصب قبلی رئیس جمهور کنونی اطلاع از نام یکی از نایب رئیس‌ان مجلس فعلی اطلاع از این که «سند چشم‌انداز بیست ساله افق تحولات ایران را تا چه سالی پیش‌بینی می‌کند».
	حمایت از برابری جنسیتی در حوزه سیاست	مخالفت با اولویت مردها نسبت به زنان در کسب فرصت‌های اشتغال مخالفت با اینکه مردان رهبران سیاسی بهتری هستند. مخالفت با اینکه تحصیلات برای پسران مهمتر است. مخالفت با اینکه مردان نسبت به زنان مدیران تجاری بهتری هستند.
	علاقه سیاسی	میزان اهمیتی که فرد برای نقش سیاست در زندگی خود قائل است. میزان شرکت در بحث‌های سیاسی میزان ترجیح برنامه‌های سیاسی تلویزیون نسبت به سایر برنامه‌ها
	ترجیح نظام سیاسی دمکراتیک	مخالفت با دخالت نظامیان در سیاست مخالفت با برخورداری رهبران سیاسی از قدرت و اختیارات گسترده موافقت با انتخابی و چرخشی بودن مقامات و مناصب سیاسی میزان اهمیتی که فرد برای روش‌ها و سازوکارهای مردم‌سالاری قائل است.

( اکثر گویه‌ها و معرف‌های مزبور از تحقیقات رونالد اینگلهارت و مارک تسلر اقتباس شده و توسط پژوهشگران با شرایط اجتماعی ایران و جامعه آماری مورد مطالعه تطبیق داده شده است.)

### سنجش روایی و اعتبار ابزار پژوهش

روایی این پژوهش با یک نمونه ۵۰ نفری از اعضای جامعه آماری و توزیع پرسشنامه مقدماتی و جمع‌آوری داده‌ها، با محاسبه ضریب «آلفای کرونباخ» سنجیده شد. نتایج محاسبه در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۵- ضریب روایی ابزار اندازه‌گیری به تفکیک شاخص‌ها و ابعاد

مقدار آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	ابعاد	مقدار آلفا	تعداد گویه‌ها	متغیر اصلی
۰/۷۱	۳ گویه	مدارای سیاسی	۰/۸۲	۳۲ گویه	فرهنگ سیاسی
۰/۷۳	۶ گویه	حمایت از آزادی			
۰/۷۳	۴ گویه	تساوی جنسیتی			
۰/۷۰	۴ گویه	مطلوبیت مکراسی			
۰/۷۷	۴ گویه	علاقه سیاسی			
۰/۷۱	۵ گویه	مشارکت سیاسی			
۰/۶۹	۳ گویه	دانش سیاسی			

همانطور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود مقدار ضرایب بدست آمده برای هر کدام از ابعاد فرهنگ مردم‌سالارانه در حد قابل قبولی است که نشان دهنده روایی ابزار سنجش می‌باشد. ضریب آلفای به‌دست آمده برای مجموع پرسشنامه نیز در حد ۰/۸۲ محاسبه شده که نمایانگر روایی نسبتاً بالای مجموعه ابزار اندازه‌گیری جهت سنجش فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه است. اعتبار ابزار پژوهش نیز با روش محتوایی سنجیده شد؛ به این ترتیب که پرسشنامه پژوهش به چند تن از اساتید ارائه گردید و نظرات ایشان در اصلاح و ارتقای کیفیت سوالات و گویه‌ها اعمال شد. ضمن اینکه بیشتر گویه‌ها و سوالات از پرسشنامه‌های معتبر پیش‌ساخته و تحقیقات بین‌المللی مانند تحقیقات مرکز پیمایش جهانی (WVS) اقتباس شده و با شرایط جامعه مورد مطالعه تطبیق داده شده است.

## یافته‌های پژوهش

### ۵-۱- خوشه‌بندی متغیرها

پیش از آنکه به تحلیل توصیفی داده‌ها و ارائه نتایج به تفکیک متغیرها و شاخص‌ها بپردازیم، فرایند تحلیل عاملی را بر روی داده‌های بدست آمده انجام می‌دهیم، تا مشخص شود هر کدام از شاخص‌های بکار رفته در مقیاس سنجش فرهنگ مردم سالارانه چه ابعاد کلی تری را درباره این مفهوم می‌سنجد. با توجه به این که در این تحقیق از الگوی مارک تسلا و شاخص‌های مورد نظر او استفاده شده است، لازم است با انجام تحلیل عاملی داده‌ها به دو سویه «شناختی - هنجاری» و «عملی - رفتاری» و به عبارت دیگر به دو خوشه «تکثرگرایی» و «درگیری عملی در سیاست» تبدیل شود تا به این سوال پاسخ داده شود که آیا داده‌های ما نیز ابعاد و عوامل مشابهی را نشان می‌دهد یا الگوی پنهان پاسخ‌ها درباره داده‌های بدست آمده متفاوت است؟

تحلیل عاملی داده‌های پژوهش و ترسیم ماتریس آن‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای هفتگانه ما نیز در دو خوشه مزبور گرد هم آمده‌اند. به عبارت دیگر، متغیرهای درون هر یک از این دو خوشه همبستگی بالایی را نشان می‌دهند ولی با متغیرهای خوشه دیگر همبستگی کمتری دارند. «مقدار ویژه» نیز نشان‌دهنده وجود دو عامل پنهان در بین متغیرها است؛ زیرا تنها مقدار ویژه دو عامل از عدد یک (۱) که معیاری برای تعیین عوامل اصلی است (دواس، ۱۳۸۴: ۲۵۶) بیشتر است، ضمناً دو عامل مذکور در مجموع حدود ۶۳/۲۸ درصد از تغییرات واریانس کل را برآورد می‌کنند.

خوشه اول، شامل چهار متغیر مداری سیاسی، اعتقاد به آزادی سیاسی، مطلوبیت مردم‌سالاری و دانش سیاسی است که بیانگر سویه شناختی - هنجاری و خوشه دوم، شامل دو متغیر علاقه سیاسی و مشارکت سیاسی است که نشانه سویه عملی - رفتاری مردم‌سالاری است. از این میان، متغیر حمایت از تساوی جنسیتی تنها متغیری است که با هیچ یک از خوشه‌های مذکور همبستگی بالایی نشان نمی‌دهد و در بین مجموعه متغیرهای موجود کمترین مقدار (۰/۲۸) واریانس مشترک را با عوامل استخراج شده دارد. در چنین شرایطی وجود اینگونه متغیرها باعث کاهش بارعاملی سایر متغیرها در حد پایین تر از حد واقعی می‌شود و واریانس کلی که توسط عوامل استخراجی تبیین می‌شود کاهش یابد. به علاوه، وضعیتی که برای این متغیر پیش آمده است اهمیت و حساسیت تفاوت‌های فرهنگی را در تحقیقات اجتماعی و سیاسی نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، متغیرهای پنهانی همچون تسلط فرهنگ مذهبی و ارزش‌های مردسالارانه در جامعه مورد مطالعه، توازن مورد انتظار در متغیرها را بر هم زده و کاهش شدید گرایش به یکی از متغیرها (برابری

جنسیتی) کل نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار داده است. برخی از روش‌شناسان توصیه می‌کنند در چنین شرایطی بهتر است این‌گونه متغیرها از مجموعه تحلیل حذف شوند (دواس، ۱۳۸۴: ۷-۲۵۶). در صورتی که این متغیر از تحلیل این پژوهش حذف شود، مقدار کل واریانس تبیین شده توسط دو عامل مورد اشاره از ۶۳ درصد به ۷۱ درصد افزایش یافته و بار عاملی متغیرهای شش‌گانه به طور منظم‌تری بر دو عامل شناختی-هنجاری و عملی-رفتاری تمرکز پیدا خواهند کرد. جزئیات فرایند تحلیل عاملی متغیرها و شاخص‌های شش‌گانه فرهنگ سیاسی دمکراتیک در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۶- تحلیل عاملی داده‌ها به تفکیک ابعاد و بارهای عاملی مربوطه

مجموع واریانس تبیین شده توسط عوامل پس از چرخش واریماکس		ضرائب عامل‌ها پس از چرخش واریماکس		متغیرها	عامل‌ها
		عامل اول: سویه شناختی - هنجاری	عامل دوم: سویه عملی - رفتاری		
۷۱/۲۷	۴۲/۳۹	۰/۱۶۵ ۰/۱۳۷ ۰/۱۴۹ ۰/۳۶۲	۰/۸۳۵ ۰/۸۴۲ ۰/۸۳۹ ۰/۶۰۴	مدارای سیاسی حمایت از آزادی مطلوبیت - مردم‌سالاری دانش سیاسی	سویه شناختی - هنجاری
	۲۸/۸۸	۰/۹۰۱ ۰/۸۰۵	۰/۰۸۲ ۰/۲۵۰	علاقه سیاسی مشارکت سیاسی	سویه عملی - رفتاری

براساس نتایج تحلیل بالا اصلاحاتی در مدل و مقیاس اندازه‌گیری فرهنگ مردم‌سالارانه انجام شد. به این صورت که متغیر حمایت از برابری جنسیتی حذف شد و متغیر دانش سیاسی که در مدل اولیه در ذیل سویه عملی - رفتاری طبقه‌بندی شده بود به دلیل بار عاملی بالایی که با سویه شناختی-هنجاری داشت در ذیل این سویل قرار گرفت. جدول زیر مولفه‌های مدل تحلیل پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۷- مدل تحلیل و مقیاس اندازه‌گیری اصلاح شده بر حسب نتایج تحلیل عاملی

سویه‌شناختی - هنجاری (تکثرگرایی) (مدارای سیاسی، دانش سیاسی، حمایت از آزادی، مطلوبیت نظام مردم‌سالارانه)			سویه‌ها
ضعیف	قوی	شاخص	سویه عملی - رفتاری (علاقه سیاسی، مشارکت سیاسی)
عملگرا	دمکراتیک	قوی	
محدود	بی تفاوت	ضعیف	

#### ۲-۵- سنجش متغیرهای پژوهش

##### مدارای سیاسی

جدول زیر توزیع پاسخگویان را بر حسب متغیر مدارای سیاسی نشان می‌دهد. حداقل نمره ممکن برای این متغیر ۳ و حداکثر آن ۱۵ است. میانگین ۱۰/۸ و انحراف معیار ۲/۲ نشان‌دهنده آنست که صفت مدارا و تسامح سیاسی در بین پاسخ‌گویان در حد متوسط است. میانگین این متغیر برای اساتید دانشگاه ۱۱/۸۲ و برای دبیران دبیرستان ۱۰/۲۸ است.

جدول ۸- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب متغیر مدارای سیاسی

طبقات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
پایین	۱۲	۳/۶	۳/۶
متوسط پایین	۸۰	۲۴/۲	۲۷/۹
متوسط	۱۲۸	۳۸/۸	۶۶/۷
متوسط بالا	۵۶	۱۷	۸۳/۶
بالا	۵۴	۱۶/۴	۱۰۰
جمع	۳۳۰	۱۰۰	۱۰۰

میانگین: ۱۰/۸ میانه: ۱۰ انحراف معیار: ۲/۲

#### حمایت از آزادی‌های سیاسی

جدول زیر وضعیت متغیر حمایت از آزادی‌های سیاسی را نشان می‌دهد. حداقل نمره ممکن برای این متغیر ۶ و حداکثر آن ۳۰ است. مقدار میانگین ۲۲/۶۸ و انحراف معیار آن ۴/۳ محاسبه

شده است. میانگین تفکیکی این متغیر برای اساتید دانشگاه ۲۳/۴۷ و برای دبیران دبیرستان ۲۲/۱۶ است. مقادیر جدول فراوانی نشان می‌دهد که پاسخگویان به این جنبه از ارزش‌های مردم‌سالاری گرایش زیادی نشان داده‌اند. بررسی درصدها درباره این شاخص معرف آنست که ۹۷ درصد از افراد مورد مطالعه گرایش متوسط و بالا نسبت به این ارزش‌ها داشته‌اند و نکته جالب آنکه گرایش هیچ‌کدام از پاسخگویان به این ارزش‌ها در حد خیلی کم نبوده است.

جدول ۹- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب متغیر حمایت از ارزش آزادی

طبقات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی پایین	۰	۰	۰
پایین	۱۰	۳	۳
متوسط	۱۱۵	۳۴/۸	۳۷/۹
بالا	۱۰۷	۳۲/۴	۷۰/۳
خیلی بالا	۹۸	۲۹/۷	۱۰۰
جمع	۳۳۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین: ۲۲/۶۸ انحراف معیار: ۴/۳			

#### مطلوبیت حکومت مردم‌سالارانه

وضعیت متغیر ترجیح و مطلوبیت حکومت مردم‌سالار در جدول زیر نشان داده شده است. کمترین نمره در این متغیر ۵ و بیشترین آن ۲۵ است. میانگین ۱۶/۶ برای این متغیر نشانه آنست که پاسخگویان در حد متوسطی حکومت مردم‌سالار را ترجیح می‌دهند و برای آن مطلوبیت قائلند. میانگین این متغیر برای اساتید دانشگاه ۱۸/۱۴ و برای دبیران دبیرستان ۱۵/۶۸ می‌باشد.

جدول ۱۰- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب متغیر مطلوبیت حکومت مردم‌سالارانه

طبقات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی پایین	۳	۰/۹	۰/۹
پایین	۷۳	۲۲/۱	۲۳
متوسط	۱۴۳	۴۳/۳	۶۶/۴
بالا	۵۹	۱۷/۹	۸۴/۲
خیلی بالا	۵۲	۱۵/۸	۱۰۰
جمع	۳۳۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین: ۱۶/۶ انحراف معیار: ۳/۹			

## دانش سیاسی

جدول زیر وضعیت متغیر دانش سیاسی را نشان می‌دهد. حداقل نمره ممکن برای این متغیر ۳ و حداکثر آن ۱۵ است. میانگین ۹/۲ بیانگر دانش سیاسی متوسط پاسخگویان و انحراف معیار ۴/۵ بیانگر تفاوت زیاد میان پاسخگویان است. به عبارت دیگر، عده زیادی از افراد مورد بررسی دارای دانش سیاسی بالا هستند و در مقابل درصد قابل توجهی از این لحاظ در سطح پایینی قرار دارند. میانگین این متغیر برای اساتید دانشگاه ۱۱/۱ و برای دبیران دبیرستان ۸/۰۷ می‌باشد.

جدول ۱۱- توزیع متغیر پاسخگویان برحسب متغیر دانش سیاسی

طبقات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی پایین	۸۷	۲۶/۴	۲۶/۴
پایین	۲۱	۶/۴	۳۲/۷
متوسط	۷۸	۲۳/۶	۵۶/۴
بالا	۶۴	۱۹/۴	۷۵/۸
خیلی بالا	۸۰	۲۴/۲	۱۰۰
جمع	۳۳۰	۱۰۰	۱۰۰

میانگین: ۹/۲ انحراف معیار: ۴/۵

## علاقه سیاسی

جدول زیر وضعیت متغیر علاقه سیاسی را نشان می‌دهد. حداقل نمره ممکن در این متغیر ۴ و حداکثر آن ۲۰ است. میانگین محاسبه شده ۱۲/۵ و انحراف معیار آن ۳/۵ است. نتایج بدست آمده از میزان متوسط علاقه سیاسی در بین افراد مورد مطالعه حکایت دارد. میانگین این متغیر برای اساتید دانشگاه ۱۲/۶ و برای دبیران دبیرستان ۱۲/۱۲ است.

جدول ۱۲- توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر علاقه سیاسی

طبقات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی پایین	۳۹	۱۱/۸	۱۱/۸
متوسط پایین	۵۱	۱۵/۵	۲۷/۳
متوسط	۱۱۵	۳۴/۸	۳۲/۱
متوسط بالا	۹۳	۲۸/۲	۹۰/۳
خیلی بالا	۳۲	۹/۷	۱۰۰
جمع	۳۳۰	۱۰۰	۱۰۰

میانگین: ۱۲/۵ انحراف معیار: ۳/۵

## مشارکت سیاسی

جدول زیر وضعیت متغیر تمایل به مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد. حداقل نمره ممکن در این متغیر ۴ و حداکثر آن ۲۰ است. میانگین بدست آمده ۹/۷ و انحراف معیار ۳/۸ می‌باشد که نشان‌دهنده میزان نسبتاً پایین مشارکت سیاسی در بین پاسخگویان است. بررسی چارک‌ها و ستون درصد تجمعی نشان می‌دهد که بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۲/۷) میزان مشارکت سیاسی خود را در حد بسیار پایین و پایین ارزیابی کرده‌اند. میانگین این متغیر برای اساتید دانشگاه ۱۰/۳۴ و برای دبیران دبیرستان ۹/۳۶ می‌باشد.

جدول ۱۳- توزیع پاسخگویان برحسب متغیر مشارکت سیاسی

طبقات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی پایین	۷۲	۲۱/۸	۲۱/۸
متوسط پایین	۱۰۲	۳۰/۹	۵۲/۷
متوسط	۸۳	۲۵/۲	۷۷/۹
متوسط بالا	۵۱	۱۵/۵	۹۳/۳
خیلی بالا	۲۲	۶/۷	۱۰۰
جمع	۳۳۰	۱۰۰	۱۰۰

میانگین: ۹/۷ انحراف معیار: ۳/۸

## وضعیت سویه‌های دوگانه فرهنگ مردم‌سالارانه

۵-۳-۱- سویه شناختی - هنجاری: جدول زیر گرایش به سویه‌های هنجاری مردم‌سالاری را نشان می‌دهد. این متغیر ترکیبی از متغیرهای مدارای سیاسی، حمایت از ارزش آزادی و مطلوبیت حکومت متغیر ۱۷ و ۸۵ است. میانگین حاصله ۵۹/۴۸ و انحراف معیار ۱۲/۳۴ می‌باشد. میانگین تفکیکی این متغیر برای اساتید دانشگاه ۶۴/۵۴ و برای دبیران دبیرستان ۵۶/۲ است. بیشترین فراوانی به کسانی تعلق دارد که از نظر تمایل و گرایش به جنبه‌های هنجاری مردم‌سالاری گرایش متوسطی از خود نشان داده‌اند که ۴۶/۱ درصد از کل پاسخگویان را شامل می‌شوند. در مرتبه بعد به ترتیب ۲۷/۶ درصد تمایل نسبتاً بالا، ۱۶/۷ درصد تمایل خیلی بالا و ۹/۷ درصد تمایل نسبتاً پایین به این سویه از فرهنگ سیاسی مردم سالاری نشان داده‌اند. میانگین داده‌های طبقه‌بندی شده برای این متغیر ۳/۵ از ۵ است که نشان‌دهنده گرایش متوسط رو به بالا به سویه شناختی - هنجاری مردم‌سالاری در میان پاسخگویان است. نکته قابل توجه درباره این

متغیر این است که گرایش هیچکدام از پاسخگویان در مجموع در حد خیلی پایین ارزیابی نشده است. مقایسه میانگین (آزمون t) دو گروه نشان می‌دهد که تفاوت بین اساتید دانشگاه و دبیران دبیرستان در گرایش به سویه شناختی - هنجاری فرهنگ مردم سالارانه از نظر آماری معنادار است.

جدول ۱۴- توزیع پاسخگویان برحسب گرایش به سویه شناختی - هنجاری مردم سالاری

طبقات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی پایین (۱)	۰	۰	۰
متوسط پایین (۲)	۳۲	۹/۷	۹/۷
متوسط (۳)	۱۵۲	۴۶/۱	۵۵/۸
متوسط بالا (۴)	۹۱	۲۷/۶	۸۳/۳
خیلی بالا (۵)	۵۵	۱۶/۷	۱۰۰
جمع	۳۳۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین: ۵۹/۴۸ انحراف معیار: ۱۲/۳۴			

### ۵-۳-۲- سویه عملی - رفتاری

جدول زیر نمایانگر سویه عملی - رفتاری فرهنگ مردم سالاری است. در این جنبه، که شامل دو متغیر علاقه سیاسی و مشارکت سیاسی است حداقل نمره ۸ و حداکثر آن ۴۰؛ میانگین بدست آمده ۲۲/۰۶ و انحراف معیار ۶/۵ است. میانگین تفکیکی این متغیر برای اساتید دانشگاه ۲۲/۹۴ و برای دبیران دبیرستان ۲۱/۴۸ است. در اینجا نیز بیشترین فراوانی (۳۵/۸ درصد) به کسانی اختصاص دارد که در حد متوسطی به این جنبه از فرهنگ مردم سالارانه گرایش نشان داده‌اند. ۲۸/۵ درصد پاسخگویان از این لحاظ گرایش نسبتاً پایین، ۱۶/۱ درصد گرایش نسبتاً بالا، ۱۲/۷ درصد گرایش خیلی پایین و ۷ درصد گرایش خیلی بالا نشان داده‌اند. میانگین داده‌های طبقه‌بندی شده برای این متغیر ۲/۷ است که نشان دهنده گرایش متوسط رو به پایین به این جنبه از مردم سالاری است. محاسبه آزمون تفاوت میانگین اساتید دانشگاه و دبیران نشان می‌دهد تفاوت معناداری میان دو گروه در گرایش به سویه عملی - رفتاری مردم سالاری وجود ندارد.

جدول ۱۵- توزیع پاسخگویان برحسب گرایش به سویه عملی- رفتاری مردم‌سالاری

طبقات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی پایین	۴۲	۱۲/۷	۱۲/۷
متوسط پایین	۹۴	۲۸/۵	۴۱/۲
متوسط	۱۱۸	۳۵/۸	۷۷
متوسط بالا	۵۳	۱۶/۱	۹۳
خیلی بالا	۲۳	۷	۱۰۰
جمع	۳۳۰	۱۰۰	۱۰۰

میانگین: ۲۲/۰۶ انحراف معیار: ۶/۵

#### ۵-۴- اندازه‌گیری گرایش کلی به فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه

جدول زیر نمایانگر وضعیت پاسخگویان از نظر میزان گرایش به کلیت فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه (متغیر وابسته تحقیق) است. اندازه این متغیر از ترکیب تجمیع و ترکیب داده‌های بدست آمده در باره دو سویه «شناختی- هنجاری» و «عملی- رفتاری» فرهنگ مردم‌سالاری به دست آمده است. حداقل نمره ممکن برای این متغیر ۲۵ و حداکثر آن ۱۲۵ است. میانگین بدست آمده ۸۱/۵۴ و انحراف معیار آن ۱۶/۳۵ است. میانگین مذکور نمایانگر وجود حد متوسطی از فرهنگ مردم‌سالارانه در میان پاسخگویان است. میانگین این متغیر برای اساتید دانشگاه ۸۷/۵ و برای دبیران دبیرستان ۷۷/۶۸ است. محاسبه آزمون تفاوت میانگین نشان‌دهنده تفاوت معنادار میان این دو گروه است. داده‌های بدست آمده در جدول فراوانی نیز با وجود ۴۶/۴ درصد گرایش متوسط نسبت به این نوع فرهنگ سیاسی موید چنین نتیجه‌گیری است. نکته قابل توجه درباره این متغیر آنست که گرایش هیچ‌کدام از پاسخگویان در حد خیلی پایین نیست. میانگین این متغیر برای داده‌های طبقه‌بندی شده ۳/۳ است که نشان می‌دهد در مجموع گرایش پاسخگویان به فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه کمی بالاتر از متوسط است.

جدول ۱۶- توزیع پاسخگویان برحسب گرایش به فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه

طبقات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی پایین (۱)	۰	۰	۰
پایین (۲)	۴۳	۱۳	۱۳
متوسط (۳)	۱۵۳	۴۶/۴	۵۹/۴
بالا (۴)	۹۶	۲۹/۱	۸۸/۵
خیلی بالا (۵)	۳۸	۱۱/۵	۱۰۰
جمع	۳۳۰	۱۰۰	۱۰۰

میانگین: ۸۱/۵۴ انحراف معیار: ۱۶/۳۵

## ۵-۵- گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی گروه‌های مورد بررسی

در آغاز مقاله چهارگونه متفاوت فرهنگ سیاسی (مردم سالارانه، بی‌تفاوت، عملگرا و محدودنگر) از یکدیگر تفکیک شدند. در جامعه مورد بررسی این مقاله نیز می‌توان هر چهار فرهنگ سیاسی مورد اشاره را بازشناسی کرد. همانطور که در مبحث نظری مقاله آمد، گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی بر اساس نحوه ترکیب متغیرهای هنجاری (ارزش‌های تکثرگرایانه) و متغیرهای رفتاری (ارزش‌های مربوط به درگیرشدن عملی در سیاست) صورت می‌گیرد. در فرهنگ سیاسی مردم سالارانه، افراد نسبت به هر دو جنبه هنجاری و رفتاری فرهنگ مردم سالارانه گرایش بالایی دارند. بر اساس داده‌های این پژوهش، ۳۸/۸ از پاسخگویان در این گونه قرار گرفته‌اند. در فرهنگ سیاسی بی‌تفاوت یا انفعالی افراد به جنبه‌های هنجاری و تکثرگرایانه مردم سالاری گرایش بالایی دارند ولی به جنبه‌های رفتاری و عملی آن گرایش کمتری نشان می‌دهند. ۳۰/۶ درصد از پاسخگویان این پژوهش در این گونه طبقه‌بندی شده‌اند. در فرهنگ سیاسی عملگرا افراد به جنبه‌های هنجاری و تکثرگرایانه مردم سالاری گرایش بالایی نشان نمی‌دهند، اما نسبت به ابعاد رفتاری و عملی آن تمایل زیادی دارند. بر اساس داده‌های بدست آمده ۹/۴ از پاسخگویان این تحقیق در این گونه قرار گرفته‌اند. سرانجام، در «فرهنگ سیاسی محدود» گرایش افراد به هر دو جنبه هنجاری و رفتاری مردم سالاری در سطح پایینی قرار دارند. ۲۱/۲ درصد از پاسخگویان ما در این گونه طبقه‌بندی می‌شوند. جدول زیر فراوانی و درصد هر یک از این چهار فرهنگ سیاسی را نشان می‌دهد:

جدول ۱۷- توزیع پاسخگویان در گونه‌های چهارگانه فرهنگ سیاسی

بعد شناختی - هنجاری (تکثرگرایی) (مدارای سیاسی، دانش سیاسی، حمایت از آزادی‌های سیاسی، مطلوبیت نظام مردم سالارانه)			سویه‌ها	****
جمع	ضعیف	قوی	شاخص‌ها	*****
۱۵۹ ٪۴۸/۲	فرهنگ عملگرا فراوانی: ۳۱ درصد ۹/۴:	فرهنگ دمکراتیک فراوانی: ۱۲۸ درصد ۳۸/۸:	قوی	بعد عملی - رفتاری
۱۷۱ ٪۵۱/۸	فرهنگ محدودنگر فراوانی: ۷۰ درصد ۲۱/۲:	فرهنگ بی‌تفاوت فراوانی: ۱۰۱ درصد ۳۰/۶:	ضعیف	(علاقه سیاسی، مشارکت سیاسی)
۳۳۰	۱۰۱ ٪۳۰/۶	۲۲۹ ٪۶۹/۴		جمع

## نتیجه

حداصلی این پژوهش، جستجو و سنجش عناصر مردم‌سالارانه در فرهنگ سیاسی جامعه امروزی ایران بود. با توجه به دشواری‌های انجام یک پژوهش ملی، نویسندگان مقاله به این نتیجه رسیدند که با بهره‌گیری از دستاوردهای مطالعات جهانی و با انتخاب یک جامعه آماری مناسب، این هدف را از طریق یک پژوهش محدودتر دنبال کنند. نقش کانونی طبقه متوسط جدید در پویاها و جنبش‌های مردم‌سالارانه که مورد تأکید تقریباً تمامی صاحب‌نظران و پژوهشگران است، ما را به این نتیجه رساند که دو قشر تحصیلکرده‌تر متعلق به طبقه متوسط جدید (اساتید دانشگاه و دبیران دبیرستان‌ها) در یکی از شهرهای نسبتاً بزرگ و چندفرهنگی کشور (همدان) به عنوان جامعه‌ای آماری پژوهش می‌تواند تاحدودی معرف حد بیشینه این فرهنگ در جامعه امروز ایران باشند. با انجام یک پیمایش، ارزش‌ها و گرایش‌های مردم‌سالارانه یک نمونه معرف از این جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفت و داده‌ها و یافته‌های این بررسی در متن مقاله ارائه و در جدول‌های مربوطه نمایش داده شد. بر اساس داده‌ها و یافته‌های مقاله چند نکته زیر قابل استنتاج است:

– میزان کلی گرایش به مولفه‌های فرهنگ مردم‌سالارانه در میان جامعه آماری این پژوهش کمی بیش از حد متوسط است. با توجه به جایگاه و انتظارات مربوط به اقبال مورد بررسی، می‌توان نتیجه گرفت که به احتمال زیاد میزان گرایش به فرهنگ مردم‌سالارانه در سطح کل جامعه ملی بالاتر از این میزان نخواهد بود.

– پایین‌تر بودن میزان گرایش به سویه عملی- رفتاری فرهنگ مردم‌سالارانه در مقایسه با سویه شناختی- هنجاری این فرهنگ، نشان از احساس پایین اثربخشی سیاسی در جامعه آماری دارد. چنین احساسی معمولاً بی‌عملی سیاسی را در پی خواهد داشت.

وجود تفاوت معنادار در میان دو قشر مورد مطالعه (اساتید دانشگاه و دبیران)، فقط در زمینه گرایش به سویه شناختی- هنجاری (تکثرگرایانه) مردم‌سالاری (و نه در زمینه گرایش به سویه عملی- رفتاری آن) بیانگر این نکته است که ارتقاء جایگاه اجتماعی و افزایش سرمایه فکری و اقتصادی در جامعه مورد مطالعه فقط ممکن است به ترویج ابعاد هنجاری فرهنگ مردم‌سالاری کمک کند و تأثیر زیادی در افزایش تمایل به سویه رفتاری این فرهنگ و مشارکت عملی در سیاست ندارد.

– گرایش ۳۸ درصدی کل جامعه آماری به فرهنگ و ارزش‌های مردم‌سالارانه، نشان از عدم رواج و عمومیت چنین فرهنگی در میان طبقه متوسط جدید شهری ایران دارد و این

موضوعی است که باید از سوی پژوهشگران و همچنین فعالان سیاسی مورد توجه و تأمل بیشتری قرار گیرد. این موضوع علاوه بر این که ارائه تبیین‌هایی مناسب را از پژوهشگران و صاحب‌نظران می‌طلبد، به استراتژیست‌ها و فعالان سیاسی این کشور نیز یادآور می‌شود که همانطور که اینگلهارت و ولزل تأکید می‌کنند؛ (Inglehart & Welzel, 2009: 14). میزان استقبال و پذیرش توده مردم نسبت به ارزش‌های مردم‌سالاری، که سطح واقعی و پایدار تقاضا برای مردم‌سالاری را تعیین می‌کند، نقشی اساسی در موفقیت فرایند مردم‌سالاری دارد و هرگونه تحول سیاسی که فراتر از سطح تحول عقاید توده‌ای و فرهنگ عمومی رخ دهد، به احتمال زیاد این فرایند را با چالش‌ها و مشکلات بیشتری روبرو خواهد ساخت.

## منابع

## الف) فارسی

- آلموند، گابریل و دیگران، (۱۳۷۶)، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- احمدی، یعقوب و آزاد، نمکی، (۱۳۹۱)، «سرمایه اجتماعی و گونه‌های مردم‌سالارانه فرهنگ سیاسی (تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای استان‌های ایران)»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۹.
- اینگلهارت، رونالد، (۱۳۸۲)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، چاپ دوم، تهران: کویر.
- اینگلهارت رونالد و کریستین ولزل، (۱۳۸۹)، نو‌سازی، تغییر فرهنگی و مردم‌سالاری، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.
- بازرگان، مهدی، (بی تا)، سازگاری ایرانی، بی جا: بی نا.
- باگناسکو، آرنالدو، (۱۳۸۸)، اعتماد و سرمایه اجتماعی در کیت نش و آلن اسکات، راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی، جلد ۲، ترجمه محمد خضری فرامرزی تقی لو و سعید فرزاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بشیریه، حسین، (۱۳۷۵)، «ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم در دوره پهلوی»، فصلنامه نقد و نظر، ۷ و ۸.
- بوستانی، داریوش، (۱۳۷۹)، «بررسی تأثیر طبقه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی: افراد ۲۰ سال به بالای شهر شیراز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- بیات تبریزی، رضا، (۱۳۷۹)، «بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی موثر بر فرهنگ مردم سالاری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- پاتنام، رابرت، (۱۳۷۷)، مردم‌سالاری و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- جمالزاده، محمدعلی، (۱۳۴۵)، خلیقات ما ایرانیان، تهران: فروغی.
- چیلکوت، رونالد، (۱۳۹۱)، نظریه سیاست مقایسه‌ای، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر رسا.

- دواس، دی. ای. (۱۳۸۴)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییب، تهران: نشر نی.
- ساعی، علی، (۱۳۸۱)، تحلیل آماری در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیان مهر.
- سرمدی، زهره و حجازی الهه، (۱۳۸۹)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه.
- سریع‌القلم، محمود، (۱۳۷۷)، «مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۳۵ و ۱۳۶.
- شایگان، داریوش، (۱۳۷۴)، زیر آسمان‌های جهان: گفتگوی شایگان با رامین جهاننگلو، نازی عظیمیا، تهران: فروزان.
- کتابی، محمود، وحیدا فریدون، قاسمی، وحید، (۱۳۸۰)، «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران»، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۲، شماره ۲۶ و ۲۷.
- گلچین، مسعود، (۱۳۷۸)، «فرهنگ سیاسی مردم سالارانه و عوامل مرتبط با آن (یک مطالعه موردی)»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۶، شماره ۶۱.
- لیست، سیمور مارتین، (۱۳۸۳)، دایره المعارف دمکراسی، سرپرستان ترجمه فارسی: کامران فانی و فریرز مجیدی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، (۱۳۸۵)، فرهنگ سیاسی مردم ایران، (موج اول پیمایش ملی)، تهران: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: دفتر طرح‌های ملی، (۱۳۸۱)، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، تهران: دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: دفتر طرح‌های ملی، (۱۳۸۳)، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، تهران: دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان.
- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۳)، موج سوم دمکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهسا، چاپ سوم، تهران: روزنه.
- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

## ب) انگلیسی

- Almond G and S. Verba, (1965), *Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in five Nations*, Princeton University Press.
- Diamond, Larry, (1994), *Political Culture and Democracy in Developing Countries*, USA, Rinner Publishers.
- Finkel, Steven, (2003), *Can Democracy be Taught*, Woodrow Wilson Department of Poltic, University of Virginia.
- Fukuyama, Francis, (2013), "Middle Class Revolution", The Wall Street Journal, Online, wsj, Com.
- Inglehart, Ronald: Christian Welzel, (2002), *Political Culture, Mass Beliefs and Value Change*, Oxford University Press.
- Lipset, S.M, (1959), Some Social Requests of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy, *American Political Science Review*, 53/1.
- Mc Clelland, (1963), *Nationalism Character and Economic Development; Turkey and Iran*, in L. Pye (ed) *Communication and Political Development*, Princeton University Press.
- Pillai, K and et al, (2011), *Democratic Attitudes and Social Capital in Latin America*, International Social Work.
- Siskele, Alex Van, (2003), *The Micro Foundations of Democratic Development*, California: University of California, Irvine.
- Tessler, Mark, (2002), "Islam and Democracy in the Middle East: The Impact of Religious Orientations, an Attitudes Toward Democracy in four Arab Countries", *Comparative Politics*, 34.
- Tessler, Mark, Gao Eleanor, (2009), *Democracy and the Political Culture Orientations of Ordinary Citizens: A Typology for the Arab World and Beyond*, Blackwell Publisher Ltd.
- Vanhanen, Tatu, (2003), *Democratization: a Comparative Analysis of 170 Countries*, London: Rutledge.
- Zonis, M, (1971), *The Political Elites of Iran*, New Jersey: Princeton University Press.

